

## غزل شماره ۴۲۱

در سرای مغان رفته بود و آب زده

نشسته پیر و صلابی به شیخ و شاب زده

بسوگشان همه در بندگیش بسته کمر

ولی ز ترک کله چتر بر حساب زده

شعاع جام و قدح نور ماه پوشیده

عذار منمجان راه آفتاب زده

عروس بخت در آن جلد با هزاران ناز  
شکسته کسمه و بر برگ گل کلاب زده

گرفته ساغر عشرت فرشته رحمت  
ز جرمه بر رخ حور و پری کلاب زده

ز شور و عهده شاهدان شیرین کار  
شکر شکسته سمن ریخته رباب زده

سلام کردم و با من به روی خندان گفتم  
که ای خارکش مخلص شراب زده

که این کند که تو کردی به ضعف همت و رای  
ز کج خانه شده نیمه بر خراب زده

وصال دولت بیدار تر سمت ندهند  
که خفته ای تو در آغوش بخت خواب زده

یابا به میکده حافظ که بر تو عرضه کنم  
هزار صف ز دعاهای متجرب زده

فلک خنیه کش شاه نصرت الدین است  
یابین ملکش دست در رکاب زده

خرد که ملهم غیب است بهر کسب شرف  
ز بام عرش صدش بوسه بر جناب زده

## تفسیر فال

خانه شما به زودی به محفل جشن و سرور و همچنین مراسم عروسی تبدیل خواهد شد، و همه اعضای خانواده و دوستان با شوق و اشتیاقی بی‌نظیر برای این وصال فرخنده در حال آماده‌سازی هستند. این وصلت نه تنها نشانه‌ای از دوستی و عشق است، بلکه فرصتی است برای تجلیل از پیوندهای اجتماعی که ما را به هم نزدیک‌تر می‌کند. در این روز ویژه، باید مراقب افرادی باشید که ممکن است بخواهند با رفتارهای ناپسند یا نیت‌های بد، شادی شما را تحت تأثیر قرار دهند. اما نگران نباشید؛ چرا که دولت بخت با شماست و دعاهایتان قطعاً مستجاب خواهد شد. اگر با کمی عقل و خرد به برنامه‌ریزی‌های خود پردازید، خواهید دید که تمامی امور به سادگی انجام می‌شود و مراسم شما به بهترین شکل ممکن برگزار خواهد شد. بنابراین، با دل آرام پیش بروید و از لحظات شیرین این دوره لذت ببرید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)